رویش روان شناسی، سال۱۲، شماره۱۲، شماره پیاپی ۹۳، اسفند ۱۴۰۲
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),12(12), 2024

مقایسه اثربخشی آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر مدل ساخت ارتباط پایدار و مدل سیمبیس بر سازگاری زوجین نو و کاندیداهای زوجی

Comparing the effectiveness of premarital education based on the model of building a lasting connection and the SYMBIS model on the adjustment of newly married couples and couple candidates

زهرا طالبی
گروه مشاوره، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
حمید یعقوبی (نویسنده مسئول)
گروه روانشناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
انیس ایرانمنش
گروه ریاضی و آمار، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
محمدرضا صفاریان طوسی
گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

Zahra Talebi
Department of Counseling, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
Hamid Yaghubi*
Department of Clinical Psychology, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.
yaghubi@shahed.ac.ir
Anis Iranmanesh
Department of Mathematics and Statistics, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
Mohammad Reza Saffarian Tousi
Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه اثربخشی آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر مدل ساخت ارتباط پایدار و مدل سیمبیس بر سازگاری زناشویی زوجین نو و کاندیداهای زوجی بود. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون_پس‌آزمون و گروه کنترل با دوره پیگیری سه ماهه بود. جامعه آماری پژوهش شامل زوج‌هایی در آستانه ازدواج و یا ازدواج کرده در سال ۱۴۰۱ و مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر مشهد بودند. تعداد ۲۴ زوج به صورت هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی در سه گروه (هر گروه ۸ زوج) قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل مقیاس سازگاری زناشویی (DAS) اسپاینر (۱۹۷۶) بود. یکی از گروه‌های آزمایش مداخله ساخت ارتباط پایدار را در ۶ جلسه ۲ ساعته و گروه آزمایشی دیگر نیز مداخله مدل سیمبیس را در قالب ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت هفته‌ای یکبار دریافت کردند. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس آمیخته استفاده شد. نتایج نشان داد که گروه سیمبیس به غیر از مولفه رضایت (P>۰/۰۵) بر مولفه‌های همبستگی، محبت و توافق اثربخشی معنادار و پایداری داشته است (P<۰/۰۱). گروه ساخت ارتباط پایدار نیز بر هر چهار مولفه سازگاری زناشویی اثربخشی معنادار و پایداری داشته است (P<۰/۰۱). در نهایت، مدل ساخت ارتباط پایدار در مقایسه با سیمبیس بر محبت و توافق (P<۰/۰۱) اثربخشی بیشتری نشان داد. نتایج نشان داد که مدل ساخت ارتباط پایدار، احتمالا درمان کارآمدتری در مقایسه با مدل سیمبیس برای بهبود سازگاری زناشویی زوجین نو و کاندیداهای زوجی بوده است.

واژه‌های کلیدی: *مدل ساخت ارتباط پایدار، مدل سیمبیس، سازگاری، زوج.*

Abstract

The purpose of this study was to compare the effectiveness of premarital education based on the "Building a Lasting Connection" model and the "SYMBIS" model on the marital adjustment of newly married couples and couple candidates. The research method employed was semi-experimental with a pre-test-post-test design and a control group, including a three-month follow-up. The statistical population included couples on the verge of marriage or married in 2023 who sought services at the center in Mashhad. A purposeful selection led to 24 couples, who were then randomly divided into three groups (8 couples in each group). The research tool used was the Marital Adjustment Scale (DAS) by Spinner (1976). In one weekly session, one experimental group received the "Building a Lasting Connection" model in 6 sessions lasting 2 hours, while the other experimental group received the SYMBIS model intervention in the form of 8 sessions lasting 90 minutes each. Data analysis was conducted using mixed variance analysis. Results indicated that, except for the satisfaction component (P<0.05), the SYMBIS group had a significant and stable effect on the components of solidarity, affection, and agreement (P<0.01). The "Building a Lasting Connection" group also had a significant and stable effect on all four components of marital adjustment (P<0.01). In comparison to SYMBIS, the "Building a Lasting Connection" model demonstrated more effectiveness in affection and agreement (P<0.01). In conclusion, the results suggest that the "Building a Lasting Connection" model may be a more efficient treatment compared to the SYMBIS model in improving the marital compatibility of newly married couples and couple candidates.

Keywords: *Model of building a lasting connection, SYMBIS model, adjustment, couple.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : مهر ۱۴۰۲** | **پذیرش: آذر ۱۴۰۲** | **ویرایش نهایی: اسفند ۱۴۰۲**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

مقدمه

در فرهنگ عامه ایران به زمان بین عقد رسمی تا زمان جشن عروسی و تشکیل خانواده، مرحله یا دوران نامزدی گفته می‌شود که کیفیت و نحوه‌ای ارتباط آنها در این مرحله می‌تواند پیش‌بینی کننده کیفیت و پایداری دوره‌های بعدی رابطه زناشویی باشد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۵). کاندیدای زوج[1] در فرهنگ ایرانی همان نامزدی محسوب می شود که به موجب آن دو نفر در مرحله توافق برای ازدواج هستند (رستمی و قزلسفلو، ۱۳۹۷). دوران نامزدی و حتی سال‌های اولیه ازدواج از حساس ترین دوران و چرخه زندگی خانوادگی است که سطح تعارض ها و اختلاقات با توجه به ویژگی‌ها و خصایص متفاوت زوجین و خانواده های آنها افزایش می یابد (رستمی و همکاران، ۱۴۰۰). بر همین اساس سازگاری زناشویی[2] در این مرحله می‌تواند عامل موفقیت ازدواج محسوب گردد (نورهوتی[3] و همکاران، ۲۰۱۹). سازگاری زناشویی دارای چهار مؤلفه اصلی است: توافق دو نفری؛ میزان موافقتی است که زوجین در مورد موضوعات مهم و اساسی زندگی همچون اداره کردن امور مالی خانواده و گرفتن تصمیم های مهم دارند، همبستگی دو نفری؛ به این موضوع اشاره دارد که زوج هر چند وقت یک بار درگیر فعالیت های مشترک باهم می‌شوند، ابراز محبت؛ مربوط به این است که هرچند وقت یک بار به یکدیگر ابراز عشق و علاقه می‌کنند و رضایت دو نفری؛ میزان شادمانی در ارتباطات و همچنین فراوانی تعارضات تجربه شده در رابطه را شامل می شود (کندریک و درنتی[4]، ۲۰۱۶). عدم سازگاری معمولاً به دلیل عدم وضوح یا وجود آشفتگی در جنبه‌های نحوی، معنایی و عمل‌گرایانه ارتباط زناشویی به وجود می‌آید (کریتلر[5]، ۲۰۱۸). سازگاری به ویژه در سال‌های ابتدایی ازدواج و اوایل زندگی زوج‌های جوان، نقش برجسته تری دارد، زیرا سال‌های اول زندگی زناشویی پر تنش‌تر است و زوج‌ها بیشترین کاهش رضایتمندی و بالاترین میزان طلاق و جدایی را در خلال این سال‌ها تجربه می‌کنند (روشن‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸).

وجود مشکلاتی مانند سازگاری زناشویی باعث شده که محققان، مشاوران حرفه‌ای، گروه‌های مذهبی و حتی رهبران عمومی آموزش قبل از ازدواج را در آماده سازی زوجین برای تعهد طولانی مدت و در نهایت جلوگیری از طلاق مدنظر قرار داده‌اند. آموزش قبل از ازدواج به خانواده‌ها و جوامع کمک می‌کند تا از هزینه بالای طلاق جلوگیری کنند (کلاید[6] و همکاران، ۲۰۲۰). یکی از برنامه های آموزشی پیش از ازدواج مدل تحکیم ازدواج پیش از شروع (SYMBIS)[7] است که یک برنامه پیشگیرانه نسبتا جدیدی است که به آماده سازی افراد برای ازدواج می پردازد، به گونه ای که بتوانند از قوانین ناگفته، نقش های ناهشیار، سبک های عشق ورزی و ارتباطی آگاهی یابند تا آزادی آنان برای پذیرش، رد یا تغییر قوانین ناشی از خانواده اصلی متزلزل کننده رابطه آینده آنها، افزایش یابد (میراحمدی و همکاران، ۱۳۹۸). ماهیت این مدل بر اساس رویکرد سیستم خانواده و نظریه رفتاری شناختی شکل گرفته است (رستمی و همکاران، ۱۴۰۰). در این مدل افراد از نقش‌ها و فرضیات پیش نوشته‌ای که تمایل به اجرای آن دارند، آگاهی می‌یابند تا بتوانند درباره چگونگی نوشتن یک نقش جدید به گفتگو بپردازند و انتظارات واقع بینانه را برای ازدواج خود در نظر بگیرند (پاروت و پاروت[8]، ۲۰۱۶). پژوهش ها نشان داد مدل تحکم ازدواج بیش از شروع بر کاهش طلاق و ایجاد رابطه زناشویی پایدار توام با روابط رضایت بخش، داشتن زندگی شاد، کاهش تعارض و اصلاح باورهای ارتباطی در زوج ها اثربخش بوده است (جعفرزاده، ۱۳۹۴؛ رستمی و قزلسفلو، ۱۳۹۷). رستمی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که مدل سیمبیس بر بر الگوهای ناکارامد ارتباطی، الگوهای ناکارامد مدیریت رابطه، نظام ارزشی زوج‌ها، ذهنیت طرحواره‌ای و اثرات مخرب خانواده اصلی اثر معناداری دارد. ساگس[9] (۲۰۱۸) نیز نشان داد که بین مشاوره قبل از ازدواج به روش سیمبیس و رضایت زناشویی زوجین رابطه وجود دارد.

برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج نظیر سیمبیس بیشتر متمرکز بر مهارت های رفتاری هستند و نقش متغیرها و سازه‌های بنیادی مانند دلبستگی و نقش آن در ایجاد یک رابطه زناشویی گرم، پایدار و تحقق بخشیده را کاملاً نادیده می‌گیرند. این درحالی است که متغیرهایی نظیر دلبستگی بزرگسالان به عنوان یکی از عناصر اصلی روابط عاشقانه، هنگام آماده‌سازی دو فرد برای ادغام زندگی خود در

1 couple candidat
2 marital adjustment
3 Nurhayati
4 Kendrick & Drentea
5 Kreitler
6 Clyde
7 Saving Your Marriage Before is Start (SYMBIS)
8 Parrott & Parrott
9 Sagesse

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

یک زندگی، از اهمیت بالایی برخوردار است (دل‌ایسولا[1] و همکاران، ۲۰۲۱). مدل ساخت ارتباط پایدار (BLC)[2] که مبتنی بر نظریه دلبستگی و درمان هیجان‌مدار شکل گرفته است، یک روش پیشگامانه و ابتکاری است که زوجینی را که به دنبال برقراری ارتباط هستند راهنمایی می کند تا به روشی کاملتر، معتبر، عمیق و معنادارتر عواطف و هیجانات خود را به اشتراک بگذارند. این مدل ارتباط نه تنها تجربی است، بلکه روند ارتباط بین زوجین برای بیان احساسی هنگام بروز مشکل و پیمایش در حل مسئله را تسهیل می‌کند و باعث می‌شود چرخه درگیری، کند شود (کاستن[3]، ۲۰۲۱). مدل ساخت ارتباط پایدار، فضای امنی را ایجاد می‌کند که زوج را قادر می‌سازد طوری ارتباط برقرار کنند که به هم نزدیک شوند، فرایند ارتباطی را شفاف نگه دارند تا بتوانند در مورد آنچه می خواهند باهم به کاوش بپردازند، تصمیم بگیرند و باهم فرایند بهبودی را ادامه دهند (سلیمانی و همکاران، ۲۰۲۲). در این مدل مهارت‌های ارتباطی معمولی آموزش داده نمی‌شود، بلکه زوجین می‌آموزند چگونه مسایل را در سطح آسیب پذیرتر و عمیق‌تر به اشتراک بگذارند و پردازش کنند و مهمتر از همه زوج یاد می‌گیرند چگونه قابل دسترس، پاسخگو و مشارکت همگانی داشته باشند که کلید اصلی دلبستگی امن است (کاستن، ۲۰۲۲).

مدل ساخت ارتباط پایدار از این مزیت برخوردار است که مداخله‌های پیشگیرانه محسوب می‌گردد و برای ایجاد نقاط قوت در زوج‌ها و کاندیدای زوج و همچنین جلوگیری از تعارض رابطه‌ای مبتنی بر نظریه دلبستگی عمل می‌کند که پایه‌ای برای بهبود روابط و تعمیق پیوند پایدار در طول عمر است (کاستن، ۲۰۲۱). البته این مدل با این ضعف روبرو است که اثربخشی مدل ساخت ارتباط پایدار کمتر به صورت پژوهشی بررسی شده است و بیشتر به صورت اجرای کارگاه‌های آموزشی برای زوجین توسط مدرسین زوج درمانی هیجان‌مدار طراحی شده است (سلیمانی و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین بررسی اثربخشی این مدل و مقایسه اثربخشی آن با مداخله‌های معتبر دیگر نظیر سیمبیس یک مسئله اساسی به نظر می‌رسد. چرا که مدل سیمبیس از این مزیت برخوردار است که پژوهش های متعددی به اهمیت آن در بهبود روابط زوجین پرداخته اند و می‌تواند به عنوان مبنایی برای مقایسه اثربخشی دیگر مداخله‌ها باشد (جعفرزاده، ۱۳۹۴؛ رستمی و قزلسفلو، ۱۳۹۷؛ رستمی و همکاران، ۱۴۰۰). البته محدود پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مدل ساخت ارتباط پایدار بر بهبود رضایت زناشویی و صمیمیت زوجین اثربخشی معناداری دارد (کاستن، ۲۰۲۱/۲۰۲۲، سلیمانی و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر این بررسی و مقایسه مداخله‌های اثربخش برای زوجین نو و کاندیدای زوجی به خودی خود یک مسئله اساسی و بنیادی در این حوزه از ادبیات پژوهشی است، چرا که وجود ارزش‌ها و زمینه‌های فرهنگی و ارتباطی متفاوت در زوج‌ها سبب شده است که مشاوران خانواده در برخی از موارد متناسب با ویژگی‌های زوج‌ها به ارائه مداخله برای آنها بپردازند (مک‌گی[4] و همکاران، ۲۰۲۱).

در مجموع می‌توان گفت که با توجه به بروز تنش و تعارض در اوایل زندگی زناشویی به دلیل وجود تفاوت‌های فردی و خانوادگی، توانایی سازگاری مهارت اصلی و مهم برای مدیریت این تعارض‌ها و تنش‌ها محسوب می‌گردد. مدل ساخت ارتباط پایدار از جمله روش‌های جدید مشاوره پیش از ازدواج است که برای زوجین بکار گرفته می‌شود، با این حال این مدل در تکامل اولیه خود قرار دارد و نیاز است که اثربخشی آن در قالب پژوهش‌های علمی، به ویژه در مقایسه با مدل‌های پیش از ازدواج دیگر مورد بررسی قرار گیرد. بر همین اساس پژوهش حاضر به مقایسه اثربخشی مدل ساخت ارتباط پایدار و مدل سیمبیس بر سازگاری زوجین نو و کاندیداهای زوجی بود.

روش

روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون و گروه گواه با دوره پیگیری سه ماهه بود. جامعه آماری پژوهش شامل زوج‌هایی در آستانه ازدواج و یا ازدواج کرده در فصل زمستان ۱۴۰۱ بودند که به مرکز مشاوره اندیشه و رفتار و مرکز خدمات روان شناختی نارون شهر مشهد جهت غنی‌سازی زندگی زناشویی مراجعه کرده بودند. با در نظر گرفتن این مورد که حداقل حجم نمونه مورد نیاز برای مطالعات آزمایشی ۱۵ نفر است (کوین و کئو[5]، ۲۰۰۲، ص ۱۵۷) تعداد ۲۴ زوج (۴۸ نفر) از زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره اندیشه و رفتار و مرکز خدمات روان شناختی نارون، بعد از غربالگری بر مبنای ملاک‌های ورود به صورت هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی در سه گروه آزمایشی ۱ و گروه ازمایشی ۲ و گروه گواه (لیست انتظار) قرار گرفتند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: از زمان شروع ارتباط حداقل ۶ ماه و حداکثر ۳ سال گذشته باشد. تمایل به شرکت در دوره را هر دو داشته باشند. به مواد مخدر و یا الکل و

1 ell'Isola
2 Building alasting connection (BLC)
3 Kasten
4 McGhee
5 Quinn & Keough

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

دارو وابستگی نداشته باشند. در هیچ دوره درمانی و یا آموزشی به موازات پژوهش شرکت نداشته باشند و همچنین ازدواج قبلی نداشته باشند. ملاک‌های خروج شامل عدم شرکت در حداقل دو جلسه از مداخله‌ها برای گروه آزمایش، اعلام انصراف از شرکت در پژوهش، بروز اختلاف و قرار گرفتن در فرآیند جدایی، تجربه خیانت و یا سوگ عزیزان درجه یک و عدم پاسخگویی به حداقل ۵ درصد از گویه‌های هر یک از پرسشنامه‌های پژوهش بود. علاوه بر رضایت آگاهانه و محرمانه نگه داشتن اطلاعات شرکت‌کنندگان، همچنین امکان دریافت هر یک از مداخله‌ها برای گروه گواه به صورت رایگان دیگر ملاحضه اخلاقی پژوهش حاضر بود. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر با شناسه اخلاق IR.IAU.MSHD.REC.1401.133 در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد مصوب گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل واریانس آمیخته و نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ استفاده شد.

ابزار سنجش

مقیاس سازگاری زناشویی (DAS)[1]: این مقیاس دارای ۳۲ گویه است که توسط اسپاینر (۱۹۷۶) به منظور بررسی کیفیت سازگاری زناشویی تهیه شده است. این مقیاس ۴ بعد رضایت، همبستگی، توافق و ابراز محبت زوجین را می‌سنجد. نمرات بالاتر نشان دهنده رابطه بهتر است. پاسخ دهی و نمره گذاری برای برخی از گویه‌ها بر مبنای مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از بندرت تا همیشه و برای برخی گویه‌ها نیز ۶ درجه‌ای از همیشه اختلاف داریم تا همیشه توافق کامل داریم، انجام می شود. کانو-پروس[2] و همکاران (۲۰۱۴) مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۳ تا ۰/۹۴ را گزارش دادند و مقدار همبستگی خرده مقیاس‌ها و نمره کل با پرسشنامه عملکرد خانواده به عنوان روایی همگرایی بین ۰/۲۷- تا ۰/۷۱ (P<۰/۰۱) بود. در ایران نیز این مقیاس درسال ۱۳۷۴ توسط آموزگار و حسین نژاد برسی شده است. این مقیاس با روش بازآزمایی و با فاصله‌ی ۱۰ روز روی نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ نفر از زوج ها (۶۰ مرد و ۶۰ زن) اجرا گردید و برای میزان همبستگی از روش گشتاوری پیرسون استفاده شد. ضریب همبستگی بین نمرات زوج ها طی دوبار اجرا با فاصله دو هفته در کل نمرات ۰/۸۶، مقیاس رضایت زناشویی۰/۶۸، مقیاس همبستگی دونفری ۰/۷۵، مقیاس توافق دونفری۰/۷۱ و مقیاس ابراز محبت ۰/۶۱ به دست آمده است. روایی همزمان DAS و مقیاس رضایت زناشویی انریچ در پاسخ دهندگان مرد و زن به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۱ و پایایی آن ۰/۸۹و ۰/۹۱ بدست آمده است (زرگار، ۲۰۱۴). در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها بین ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ بدست آمد.

گروه آزمایش ۱ بر مبنای بسته آموزشی مدل ساخت ارتباط پایدار (BLC) ارائه شده توسط سلیمانی و همکاران (۲۰۲۲) در قالب ۶ جلسه ۲ ساعتی هفته‌ای یکبار آموزش دیدند که خلاصه آن در جدول ۳-۲ ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه جلسات مدل ساخت ارتباط پایدار

جلسه	هدف	محتوا
۱	دلبستگی	مبانی دلبستگی، سبک های دلبستگی، مفاهیم مربوط به دلبستگی در بزرگسالان ، تعریف عشق
۲	تعامل	مهارت های برقراری ارتباط موثر، تمرین شنونده بودن، تمرین گوینده بودن
۳	مدیریت تعارض	چرخه های تعاملی منفی، نقش هر زوج در چرخه های منفی، چگونه در چرخه های منفی زوجین توقف ایجاد کرد؟
۴	ارتباط فیزیکی	تفاوت زن و مرد در روابط جنسی، انواع مختلف روابط جنسی و بهترین آنها
۵	اشتراک‌گذاری اهداف	ساختن نقش های مشترک
۶	تحکیم ازدواج	ایجاد آداب و رسوم زناشویی و آداب عشق پایدار

گروه آزمایشی۲ بر مبنای مدل (SYMBIS) ارائه شده توسط پاروت و پاروت (۲۰۰۳) در جلسات آموزشی در قالب ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای و هفته ای یک بار شرکت کردند که خلاصه آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. خلاصه جلسات سیمبیس (SYMBIS)

جلسه	محتوا
۱	پس از معرفی به اولین سوال این برنامه یعنی افسانه های مخرب و نادرستی که نسبت به ازدواج و زندگی مشترک وجود دارد، پرداخته می شود.

1 Dyadic Adjustment Scale (DAS)
2 Cano-Prous

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

۲	به دومین سوال اساسی که مربوط به سبک عشق ورزی است پرداخته می شود. از طریق تمرین عشق به نامزدها کمک می شود تا تعریف روشن تری ازعشق داشته باشند. از زوجین خواسته می شود تا برای ایجاد عشق پایدار و همیشگی ایجاد صمیمیت و ایجاد تعهد با گوش سوم بشنوند. بر اشتراکات تمرکز کنند.
۳	به سومین سؤال اساسی شاد بودن در ازدواج، پرداخته می شود. تمرکز این بخش بر خود افراد است تا بر ازدواجشان، طراحی برنامه ای دقیق برای شاد بودن با هم و تمرین بر روی نگرشهای بهبود دهنده و مخرب.
۴	به چهارمین سوال درک و فهمیده شدن می پردازد. این بخش به افرادکمک می کند تا بهتر درک و فهمیده شوند. در این جلسه با تأکید بر یادگیری ارتباط، به پایه ریزی مهارت های ارتباطی در مراحل ابتدایی ازدواج پرداخته می شود و به این پرسش پاسخ داده می شود که چرا اصولا باید ارتباط موثر را آموخت.
۵	به پنجمین سوال که تفاوت های جنسی است پرداخته می شود؛ این بخش به زوج کمک می کند تا نامزدشان را به این دلیل که از جنسی دیگر است بهتر بشناسند، به آنها گفته می شود که نامزدتان به این دلیل که از جنسی دیگر است، تفکرات احساسات و رفتارهایش با شما به شکل دیگری عمل می کنند. اگر این تفاوت ها در نظر گرفته شوند می توانند به منبعی نیرومند از صمیمیت در ازدواج بدل شود.
۶	در این جلسه به ششمین سوال یعنی حل تعارض پرداخته می شود، این جلسه به افراد نشان می دهدکه چگونه با تعارض روبرو شوند و پرخاشگری را تا حد ممکن پایین بیاورند.
۷	هفتمین و آخرین سوال مربوط به درک عمیق و بعد معنوی به عنوان مهم ترین جنبه ازدواج مورد بررسی قرار می گیرد. این کار را با بررسی نیاز به صمیمیت معنوی آغاز پس از آن به چگونگی پرورش روح ازدواج با استفاده از تمرین سفر معنوی پرداخته می شود.
۸	به مرور مطالب آموخته شده ۷ جلسه قبلی، مروری بر تکالیف صورت گرفته در حین جلسه ها و خارج از جلسات به همراه پرسش و پاسخ زوجین پرداخته می شود.

یافته ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه‌های پژوهش نشان داد که سطح تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر برای گروه سیمبیس به ترتیب ۴ (۲۵ درصد)، ۹ (۵۶/۳۰ درصد) و ۳ (۱۸/۸۰)، برای گروه ساخت ارتباط پایدار به ترتیب ۶ (۳۷/۵۰ درصد)، ۵ (۳۱/۳۰ درصد) و ۵ (۳۱/۳۰ درصد) و برای گروه گواه به ترتیب ۴ (۲۵ درصد)، ۱۰ (۶۲/۵۰ درصد) و ۲ (۱۲/۵۰) نفر بود. همچنین تعداد افراد زوج نو و کاندیدای زوج شرکت کننده در سیمبیس به ترتیب ۱۰ (۶۲/۵۰ درصد) و ۶ (۳۷/۵۰ درصد)، در گروه ساخت ارتباط پایدار ۱۲ (۷۵ درصد) و ۴ (۲۵ درصد) و برای گروه گواه ۱۲ (۷۵ درصد) و ۴ (۲۵ درصد) نفر بود. از لحاظ سنی میانگین و انحراف معیار برای گروه سیمبیس، گروه ساخت ارتباط پایدار و گروه گواه به ترتیب ۳۰/۸۷ ± ۴/۴۲، ۳۲/۵۰ ± ۲/۹۱ و ۳۲/۵۰ ± ۳/۹۰ بود. در جدول ۳ شاخص‌های توصیفی خرده مقیاس‌های سازگاری زناشویی به تفکیک گروه‌های پژوهش ارائه شده است.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی خرده مقیاس‌های سازگاری زناشویی در گروه‌های پژوهش به تفکیک مراحل آزمون

متغیر		مرحله آزمون	سیمبیس		ساخت ارتباط پایدار		گروه گواه	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
سازگاری زناشویی	همبستگی	پیش آزمون	۱۰/۴۳	۳/۴۶	۱۱/۴۴	۳/۶۵	۱۱/۹۴	۳/۸۰
		پس آزمون	۱۶/۶۸	۲/۹۸	۱۷/۲۵	۳/۷۱	۱۱/۴۴	۳/۶۷
		پیگیری	۱۷/۲۵	۲/۵۹	۱۷/۶۹	۲/۸۷	۱۰/۸۷	۳/۴۲
	رضایت	پیش آزمون	۲۹	۲/۸۵	۲۸/۸۱	۳/۰۴	۳۰/۶۹	۸/۶۱
		پس آزمون	۳۸/۸۱	۴/۰۵	۴۴/۸۲	۴/۶۶	۳۶/۱۲	۹/۳۳
		پیگیری	۴۱	۳/۰۳	۴۶/۸۱	۳/۳۰	۳۴/۱۲	۹/۳۴
	محبت	پیش آزمون	۴/۵۶	۲/۹۷	۴/۶۸	۲/۱۲	۳/۹۴	۱/۹۵
		پس آزمون	۶/۴۴	۲/۶۳	۹/۰۶	۱/۸۱	۴/۴۴	۲/۱۰
		پیگیری	۷/۶۸	۲/۲۴	۱۰/۴۴	۱/۲۶	۴/۵۶	۲/۰۶
	توافق	پیش آزمون	۳۰/۱۲	۹/۸۵	۳۱/۶۲	۱۰/۲۶	۲۹/۴۳	۱۲/۷۷
		پس آزمون	۴۱/۱۲	۹/۹۸	۵۴/۱۲	۶/۴۳	۳۳/۳۷	۱۲/۴۶
		پیگیری	۴۴/۸۷	۸/۲۱	۵۳/۰۶	۵/۸۴	۲۸/۶۲	۱۱/۹۰

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

در جدول ۳ شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار برای هر چهار خرده مقیاس سازگاری زناشویی به تفکیک گروه‌ها و مراحل آزمون پژوهش ارائه گردیده است. قبل از مقایسه اثربخشی دو مداخله بر سازگاری زناشویی، پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس اندازه‌گیری آمیخته مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بدست آمده برای آزمون شاپیرو - ویلک نشان دادکه پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها در خرده مقیاس‌های سازگاری زناشویی پژوهش در هر سه گروه و در خرده مقیاس‌های سازگاری زناشویی هر سه مراحله آزمون رعایت شده است (P>۰/۰۵). همچنین نتایج آزمون لوین نیز نشان داد پیش‌فرض همگنی واریانس پژوهش بین‌گروه‌ها در سه مرحله آزمون نیز رعایت شده است (P>۰/۰۵). برای هر سه مولفه رضایت، محبت و توافق سازگاری، برای آزمون ام باکس سطوح معناداری بدست آمده بیشتر از ۰/۰۵ بود، ولی برای دو مولفه رضایت و توافق مقدار کرویت موچلی در سطح معناداری قرار داشت (P<۰/۰۵). بنابراین به جای کرویت موچلی از تصحیح گرین هاوس – گیسر[1] که بیانگر کاهش درجه آزادی و احتیاط بیشتر در رد فرض صفر به غلط است، استفاده گردید. در جدول ۴ نتایج آزمون تحلیل واریانس آمیخته ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس آمیخته جهت بررسی و مقایسه اثربخشی ازدواج ساخت ارتباط پایدار و سیمبیس بر سازگاری زناشویی زوجین نو و کاندیداهای زوجی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	مقدار P	اندازه اثر	توان آزمون
همبستگی	مراحل آزمون	۴۹۴/۰۱	۲	۲۴۷/۰۱	۲۴/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۳۵	۱
	تعامل مراحل و گروه	۳۶۲/۱۱	۴	۹۰/۵۳	۹۰/۵۳	۰/۰۰۱	۰/۲۹	۱
	عضویت گروهی	۴۵۰/۷۲	۲	۲۲۵/۳۶	۱۶/۰۱	۰/۰۰۱	۴۲	۱
رضایت	مراحل آزمون	۳۷۳۲/۲۹	۱/۴۶	۲۵۶۱/۳۱	۷۸/۲۵	۰/۰۰۱	۰/۶۳	۱
	تعامل مراحل و گروه	۹۳۱/۴۶	۲/۹۱	۳۱۹/۶۱	۹/۷۶	۰/۰۰۱	۰/۳۰	۱
	عضویت گروهی	۱۰۲۶/۵۰	۲	۵۱۳/۲۵	۸/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۲۷	۰/۹۶
محبت	مراحل آزمون	۲۵۴/۸۹	۲	۱۲۷/۴۴	۳۲/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۴۲	۱
	تعامل مراحل و گروه	۱۱۶/۲۸	۴	۲۹/۰۷	۷/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۲۵	۰/۹۹
	عضویت گروهی	۳۳۷/۵۷	۲	۱۶۸/۷۸	۲۶/۵۹	۰/۰۰۱	۰/۵۴	۱
توافق	مراحل آزمون	۴۷۲۳/۹۳	۱/۵۹	۲۹۶۱/۳۸	۳۰/۶۶	۰/۰۰۱	۰/۴۰	۱
	تعامل مراحل و گروه	۲۵۲۰/۳۲	۳/۱۹	۷۸۹/۹۸	۸/۱۸	۰/۰۰۱	۰/۲۷	۰/۹۹
	عضویت گروهی	۵۹۸۸/۶۰	۲	۲۹۹۴/۳۰	۲۰/۳۰	۰/۰۰۱	۰/۴۷	۱

نتایج بدست آمده در جدول ۴ نشان می‌دهد که تفاوت مراحل آزمون، عضویت گروهی و تعامل مراحل و گروه برای هر چهار مولفه همبستگی، رضایت، محبت و توافق متغیر سازگاری زناشویی معنادار است (P<۰/۰۵). این نتایج نشان می‌دهد که در مراحل آزمون (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری)، عضویت در گروه‌های پژوهش و تعامل آنها تفاوت وجود دارد. برای بررسی نقاط تفاوت موجود از مقایسه زوجی بنفرونی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. مقایسه زوجی بن‌فرونی تفاوت های بین گروهی و مراحل آزمون مولفه‌های سازگاری زناشویی در گروه‌های پژوهش

متغیر	منبع تغییرات	گروه مبنا	گروه ثانویه	تفاوت میانگین	خطای انحراف معیار	مقدار P
همبستگی	گروه	سیمبیس	ساخت ارتباط پایدار	-۰/۶۷	۰/۷۷	۱
			گواه	۳/۳۷	۰/۷۷	۰/۰۰۱
		ساخت ارتباط پایدار	گواه	۴/۰۴	۰/۷۷	۰/۰۰۱
	مرحله آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	-۳/۸۵	۰/۵۳	۰/۰۰۱
			پیگیری	-۴	۰/۷۱	۰/۰۰۱
		پس آزمون	پیگیری	-۰/۱۵	۰/۶۹	۱

1 Greenhouse–Geisser correction

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

رضایت	گروه	سیمبیس	ساخت ارتباط پایدار	-۳/۸۷	۱/۵۸	۰/۰۶
			گواه	۲/۶۲	۱/۵۸	۰/۳۱
		ساخت ارتباط پایدار	گواه	۶/۵۰	۱/۵۸	۰/۰۰۱
	مرحله آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	-۱۰/۴۲	۱/۲۱	۰/۰۰۱
			پیگیری	-۱۱/۱۵	۱/۰۵	۰/۰۰۱
		پس آزمون	پیگیری	۰/۷۳	۰/۶۵	۰/۸۰
محبت	گروه	سیمبیس	ساخت ارتباط پایدار	-۱/۸۳	۰/۵۱	۰/۰۰۳
			گواه	۱/۹۲	۰/۰/۵۱	۰/۰۰۲
		ساخت ارتباط پایدار	گواه	۳/۷۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
	مرحله آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	-۲/۲۵	۰/۴۵	۰/۰۰۱
			پیگیری	-۳/۱۷	۰/۴۱	۰/۰۰۱
		پس آزمون	پیگیری	-۰/۹۲	۰/۳۳	۰/۰۳
توافق	گروه	سیمبیس	ساخت ارتباط پایدار	-۷/۵۶	۲/۴۷	۰/۰۱
			گواه	۸/۲۳	۲/۴۸	۰/۰۰۵
		ساخت ارتباط پایدار	گواه	۱۵/۷۹	۲/۴۸	۰/۰۰۱
	مرحله آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	-۱۲/۴۸	۲/۰۸	۰/۰۰۱
			پیگیری	-۱۱/۷۹	۱/۹۱	۰/۰۰۱
		پس آزمون	پیگیری	۰/۶۹	۱/۲۸	۱

نتایج بدست آمده از جدول ۶ نشان می‌دهد که گروه سیمبیس بر همبستگی، محبت و توافق اثربخشی معناداری دارد (P<۰/۰۱)، ولی بر مولفه رضایت اثربخشی معناداری را نشان نداشته است (P>۰/۰۵). برای گروه ساخت ارتباط پایدار نتایج نشان داد که مداخله بر هر چهار مولفه سازگاری زناشویی اثربخشی معناداری داشته است (P=۰/۰۰۱). مقایسه اثربخشی هر دو مداخله نیز نشان داد که ساخت ارتباط پایدار در مقایسه با سیمبیس بر دو مولفه محبت (P<۰/۰۱) و توافق (P=۰/۰۱) اثربخشی بیشتری داشته است. برای دو مولفه همبستگی و رضایت تفاوت معناداری میان دو گروه آزمایش مشاهده نگردید (P>۰/۰۵). بررسی نتایج مراحل آزمون نیز نشان داد که در هر چهار مولفه سازگاری زناشویی پس‌آزمون و پیگیری در مقایسه با پیش‌آزمون افزایش معنادار و پایداری را نشان داده است (P=۰۰۱) و فقط برای مولفه محبت نتایج پیگیری در مقایسه با پس‌آزمون کاهش معناداری نشان داده است (P<۰۵).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه اثربخشی مدل ساخت ارتباط پایدار با مدل سیمبیس بر سازگاری زناشویی زوجین نو و کاندیداهای زوجی بود. نتایج بدست آمده از پژوهش نشان داد که گروه ساخت ارتباط پایدار بر هر چهار مولفه سازگاری زناشویی (رضایت، همبستگی، محبت و توافق) اثربخشی معنادار و پایداری داشته است. این یافته با نتایج بدست آمده از پژوهش‌های سلیمانی و همکاران (۲۰۲۲)، اعتمادی و آریان‌فر (۱۳۹۶)، کیانی و همکاران (۱۳۹۴) و دلایسولا[1] و همکاران (۲۰۲۱) همسو بود. در تبیین یافته بدست آمده می‌توان گفت که ایجاد دلبستگی سالم و ایمن می‌تواند با ابراز نیازها، نگرانی‌ها و دغدغه‌های زناشویی همراه است. بر همین اساس می‌توان این احتمال را داد که تلاش در جهت بهبود تعاملات مبتنی بر دلبستگی ایمن زوج‌ها توانسته باشد که سازگاری زناشویی زوج‌ها و کاندیدهای زوج‌ها را در زمینه‌های توافق، رضایت، محبت و همبستگی ارتقا داده باشد. مدل ساخت ارتباط پایدار به زوج‌ها یاد می‌دهد که چگونه مکالمات دلبستگی ایجاد کنند که رابطه آنها را در طول زمان تقویت کند (کاستن، ۲۰۲۱). ترویج دلبستگی ایمن در زوجین با توجه به اینکه با بهبود ارتباط عاطفی و پیوند محبت‌آمیز همراه است، احتمالا با افزایش سازگاری زناشویی در جنبه‌های مختلف همراه باشد. یک جنبه مهم و اساسی دیگر مداخله ساخت ارتباط پایدار که احتمالا توانسته باشد با بهبود سازگاری زناشویی همراه شده باشد، به ارائه مداخله‌های پیرامون

1 Dell'Isola,

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

آموزش تفاوت‌های جنسی زن و مرد و همچنین تلاش در جهت ایجاد نقش‌های مشترک در زوجین بر می‌گردد. در همین رابطه نیز نشان داده شد که افزایش دانش زوجین از یک‌دیگر و همچنین تلاش در جهت انجام نقش‌ها و وظایف زناشویی به صورت مشترک و تعامل متقابل می‌تواند با افزایش سازگاری و توافق زناشویی همراه گردد (گهمن[1] و همکاران، ۲۰۲۲). درک تفاوت‌های یک دیگر و گفتگو پیرامون انجام نقش‌ها به صورت مشترک، علاوه بر اینکه می‌تواند زمینه تعامل سازنده و همراه با حس رضایت را به همراه داشته باشد، همچنین احتمالا بتواند با درک شرایط و ویژگی‌های منحصر به فرد هر یک از زوجین، منجر به کاهش تعارض و رشد توافق و همچنین همبستگی و محبت بین زوجین گردد. یک گام مهم در مدل ساخت ارتباط درک اهمیت اهداف مشترک و به اشتراک گذاشتن آنها با همسر است (سلیمانی و همکاران، ۲۰۲۲). به عبارتی در این مداخله تلاش گردید که زوجین سعی آینده مشترک را با هم تجسم کنند و برای حفظ و ترویج آن، آداب و رسوم مشترکی ایجاد کنند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که گروه سیمبیس به غیر از رضایت بر همبستگی، محبت و توافق به عنوان مولفه‌های سازگاری زناشویی اثربخشی معنادار و پایداری داشته است. این یافته با نتایج بدست آمده از پژوهش‌های هاشمی و همکاران (۱۴۰۱)، رستمی و همکاران (۱۳۹۹)، رستمی و قزلسفلو (۱۳۹۷)، ساگس (۲۰۱۸) و مارکس[2] (۲۰۰۷) همسو بود. در تبیین یافته بدست آمده باید توجه کرد که آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر مدل سیمبیس به زوجین در درک و فهمیدن یک‌دیگر کمک می‌کند و با بررسی عوامل مرتبط با شکست ازدواج و چگونگی یک ارتباط موثر انگیزه زوجین را برای درک و فهمیدن یک دیگر افزایش می‌دهد (پاروت و و پاروت، ۲۰۱۶). بر همین اساس می‌توان این استدلال را مطرح کرد که تلاش در جهت افزایش درک زوجین از یک‌دیگر و زوجین در آستانه ازدواج می‌تواند با افزایش شناخت زوجین از ویژگی‌ها و خصوصیات طرف مقابل، سازگاری با تفاوت‌ها را تسهیل کند و با شناخت ویژگی‌های مشترک می‌تواند تعامل مثبت را تسهیل کند که ضمن رشد همبستگی با ابراز محبت و توافق دوطرفه همراه گردد. علاوه بر این وجود تعارض و ناتوانی در حل و فصل آن یکی از موانع اصلی سازگاری زناشویی در زوجین است (عمرانی و همکاران، ۱۳۹۷). در همین رابطه مداخله مدل سیمبیس تعارض را یک واقعیت منفی نمی‌پندارد، بلکه آن را واقعیتی در نظر دارد که هر رابطه‌ای آن را تجربه می‌کند. بر همین اساس به گروه آزمایش آموزش داده شد که نباید از تعارض اجتناب کنند، بلکه باید از آن برای روشن کردن چگونگی رشد خودشان به عنوان یک زوج استفاده کنند. به عبارتی دیگر از دل تعارض‌ها نقاط قوت و برخی ویژگی‌های مثبت در زوجین شناسایی می‌گردد که پذیرش و سازگاری با طرف مقابل را راحت‌تر می‌کند. علاوه بر این نباید از این نکته غافل شد که مداخله سیمبیس بررسی تفاوت های جنسیتی زوجین و شناخت ویژگی های جنسی هر یک از زوجین را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. رفتارهای ناخوشایندی مانند پرخاشگری و عدم پاسخگویی از عوامل اساسی مانع همبستگی و توافق زوجین محسوب می‌گردد (کوین[3] و همکاران، ۲۰۱۷). بر همین اساس می‌توان این استدلال را مطرح کرد که مداخله سیمبیس با افزایش درک نمونه مورد مداخله پیرامون تفاوت‌های زن و مرد و همچنین شناخت تعارض و مهارت‌های حل تعارض مانع شکل‌گیری رفتارهای برهم‌زننده سازگاری زناشویی از قبیل پرخاشگری شده است.

در نهایت یافته پژوهش نشان داد که ساخت ارتباط پایدار در مقایسه با سیمبیس بر دو مولفه محبت و توافق اثربخش بیشتری داشته، ولی برای دو مولفه همبستگی و رضایت تفاوت معناداری میان دو گروه آزمایش مشاهده نگردید. این یافته با نتایج بدست آمده از پژوهش‌های اعتمادی و آریان‌فر (۱۳۹۶)، کیانی چلمردی و همکاران (۱۳۹۴) و دلایسولا و همکاران (۲۰۲۱) همسو بود. در تبیین یافته بدست آمده می‌توان این احتمال را داد که مدل ساخت ارتباط پایدار با تکیه بر بهبود رابطه دلبسته‌مدار زوجین منجر به بهبود مولفه‌های محبت و توافق در زوجین و یا کاندیدهای زوج شده است. به عبارتی مدل ساخت ارتباط پایدار تلاش دارد که بر پایه یک دلبستگی ایمن بین زوج‌ها به آموزش زوجین برای ساخت اهداف مشترک، تدارک اوقات فراغت و درک یک‌دیگر گام بردارند (سلیمانی و همکاران، ۲۰۲۲). این درحالی است که در مدل سیمبیس چنین فرآیندی طی نمی‌گردد و صرفا به آموزش زوج‌ها پیرامون درک تفاوت‌های یک‌دیگر، شناخت یک‌دیگر و یا ترویج برنامه‌های شادی بخش می‌پردازد. نبود یک دلبستگی ایمن در زوجین، می‌تواند باعث شود که با وجود فعالیت‌های لذت‌بخش و همراه با تجربه شادی، زوجین نتواند بر پایه اعتماد و حس امنیت نسبت به‌یک‌دیگر به زندگی زناشویی ادامه دهند با ترس از از دست دادن، عدم پاسخگویی و خیانت دچار ناسازگاری گردند و از محبت بین آنها کاسته شود (فینی و کارانتزاس[4]، ۲۰۱۷). بر همین اساس می‌توان این استدلال را مطرح کرد که برنامه ساخت ارتباط پایدار با توجه به اینکه به بافت رابطه زوجین مبتنی بر دلبستگی توجه دارد و پایه‌ها و

1 Gehman
2 Marks
3 Coyne
4 Feeney & Karantzas

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

بنیاد شکل‌گیری رابطه را ترمیم می‌کند، احتمالا بتواند با بهبود بیشتر سازگاری زناشویی از جانب محبت و توافق همراه باشد. البته باید توجه کرد که در باب اثربخشی بر سازگاری زوجین در رابطه با همبستگی و رضایت زوجین تفاوت معناداری قابل مشاهده نبود. این یافته نشان می‌دهد که برنامه سیمبیس نیز از اثربخشی قابل توجهی به ویژه برای همبستگی زوجین برخوردار است. چرا که این برنامه نیز تلاش دارد تا زمان مشترک و فعالیت مشترک شادی‌آور همراه با عشق‌ورزی را بین زوجین و یا کاندیدهای زوج تسهیل نماید. در همین رابطه نیز به نظر می‌رسد که برنامه‌ها و فعالیت‌های مشترک همراه با تجربه لذت و عشق‌وزی می‌تواند به نزدیکی و پایداری رابطه زوجین کمک شایانی نماید (هیلپرت[1] و همکاران، ۲۰۱۶). با این حال تکیه بر دلبستگی به عنوان پایه و اساس شکل‌گیری یک رابطه زناشویی و اصلاح چرخه‌های ارتباطی منفی به عنوان عامل اصلی دخیل در تداوم مشکلات ناسازگاری زوجین، احتمالا مزیت‌های اصلی برنامه ساخت ارتباط پایدار در مقایسه با برنامه سیمبس برای بهبود سازگاری زناشویی در زوجین و کاندیدهای زوج باشد.

در مجموع نتایج بدست آمده نشان داد که مداخله سیمبیس بر سه مولفه توافق، محبت و همبستگی اثربخشی معناداری دارد، ولی بر مولفه رضایت اثربخشی معناداری ندارد. این درحالی بود که مداخله ساخت ارتباط پایدار بر هر چهار مولفه اثربخشی معناداری را نشان داد و در مقایسه با مداخله سیمبیس نیز بر دو مولفه توافق و محبت اثربخشی بیشتری دارد. بنابراین این نتایج نیز حاکی از مزیت نسبی استفاده از مداخله ساخت ارتباط پایدار در مقایسه با مداخله سیمبیس برای بهبود سازگاری زناشویی زوجین نو و کاندیداهای زوجی توسط روان‌شناسان و مشاوران زوج بود. این نتایج در مجموع حاکی از کارآمدی و اثربخشی مدل ساخت ارتباط پایدار برای مشاوره پیش از ازدواج است که توسط متخصصان به ویژه علاقه‌مندان با دلبستگی و درمان هیجان‌مدار می‌تواند جهت بهبود سازگاری زناشویی زوجین نو و کاندیداهای زوجی مورد استفاده قرار گیرد. محدودیت عمده پژوهش حاضر به عدم نمونه‌گیری تصادفی بر می‌گردد که تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند. همچنین نتایج بدست آمده برای پژوهش حاضر محدود به زوجین نو و کاندیداهای زوجی بوده و قابل تعمیم به گروه‌های زوجی دیگر مانند زوجین مسن و سالمند نخواهد بود. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه در نمونه‌ای از زوجین میان‌سال و سالمند نیز مورد بررسی قرار گیرد تا تعمیم‌پذیری نتایج به این گروه‌ها نیز مورد بررسی قرار گرید.

منابع

اسدی شیشه‌گران، س؛ قمری، ح. و شیخ‌الاسلامی، ع. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سبک‌های حل تعارض سازنده و غیر سازنده در نامزدها. *مشاوره کاربردی*، ۶(۱)، ۷۷-۸۸. 10.22055/jac.2016.12569

اعتمادی، ع و آریان‌فر، ن. (۱۳۹۶). تأثیر زوج‌درمانی تلفیقی مبتنی بر خودتنظیم‌گری - دلبستگی بر سازگاری زناشویی زوجین. *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*، ۱۸(۲)، ۶۱-۷۱.10.22084/jch.2019.17207.1242

جعفرزاده، ز. (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر مدل SYMBIS بر کاهش تعارضات زناشویی در زوجین مراجعه کننده به مرکز مداخله در بحران شهر اصفهان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان.

رستمی، م. و قزلسفلو، م. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به شیوه سیمبیس (SYMBIS) بر باورهای ارتباطی زوجین نامزد. *روانشناسی خانواده*، ۵(۱)، ۵۶-۴۵. 10.23047/jfmh.2018.5645

رستمی، م؛ نوابی نژاد، ش. و فرزاد، و. (۱۳۹۹). اثر بخشی آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج مدل تحکیم ازدواج پیش از شروع (سیمبیس) بر الگوها و آسیب‌های زوج‌های نامزد. *خانواده درمانی کاربردی*، ۱(۱)، ۳۵-۵۳.10.24067/jfmh.2020.3552

رستمی، م؛ نوابی نژاد، ش. و فرزاد، و. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی مشکلات زوجین در مرحله نامزدی: یک مطالعه کیفی. دوفصلنامه روانشناسی خانواده, ۶(۱), ۶۸-۵۵.20.1001.1.23221283.1399.9.34.8.7

روشن نژاد، ن؛ بیان فر، ف. و طالع پسند، س. (۱۳۹۸). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوج‌های جوان بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی، تمایزیافتگی خود و سرسختی. *روان شناسی بالینی*، ۱۱(۱)، ۹۳-۱۰۷. 10.22075/jcp.2019.17207.1632

عمرانی، س؛ جمهری، ف. و احدی، ح. (۱۳۹۷). پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس باورهای فراشناختی با در نظر گرفتن نقش میانجی تعارض های زناشویی. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۷(۶۸)، ۵۰۱-۵۰۸. 20.1001.1.17357462.1397.17.68.10.8

کیانی چلمردی، ا، صدری دمیرچی، ا. و جمشیدیان، ی. (۱۳۹۴). اثربخشی مداخله‌ی مبتنی بر دلبستگی بر سازگاری زناشویی زوجین ناسازگار. *پژوهش های مشاوره*، ۱۴ (۵۵)، ۹۸-۸۲.http://irancounseling.ir/journal/article-1-138-fa.html

1 Hilpert

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]

Cano-Prous, A., Martín-Lanas, R., Moyá-Querejeta, J., Beunza-Nuin, M. I., Lahortiga-Ramos, F., & García-Granero, M. (2014). Psychometric properties of a Spanish version of the Dyadic Adjustment Scale. *International Journal of Clinical and Health Psychology*, *14*(2), 137-144. https://doi.org/10.1016/S1697-2600(14)70047-X

Clyde, T. L., Hawkins, A. J., & Willoughby, B. J. (2020). Revising premarital relationship interventions for the next generation. *Journal of Marital and Family Therapy*, *46*(1), 149-164. https://doi.org/10.1111/jmft.12378

Coyne, S. M., Nelson, D. A., Carroll, J. S., Smith, N. J., Yang, C., Holmgren, H. G., & Johnson, C. (2017). Relational aggression and marital quality: A five-year longitudinal study. *Journal of Family Psychology*, *31*(3), 282. https://doi.org/10.1037/fam0000274

Dell'Isola, R., Durtschi, J., Topham, G., & Gimarc, C. (2021). A new approach to marriage preparation: The attachment-differentiation premarital model. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, *20*(2), 149-173. https://doi.org/10.1080/15332691.2020.1829522

Feeney, J. A., & Karantzas, G. C. (2017). Couple conflict: Insights from an attachment perspective. *Current opinion in psychology*, *13*, 60-64. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.04.017

Gehman, R. M., Pinel, E. C., Johnson, L. C., & Grover, K. W. (2022). Emerging Ideas. A ripple effect: Does I-sharing with a stranger promote compromise in cohabiting couples?. *Family Relations*, *31*(3), 208-212. https://doi.org/10.1111/fare.12677

Hilpert, P., Bodenmann, G., Nussbeck, F. W., & Bradbury, T. N. (2016). Improving personal happiness through couple intervention: A randomized controlled trial of a self-directed couple enhancement program. *Journal of Happiness Studies*, *17*, 213-237. https://doi.org/10.1007/s10902-014-9591-7.

Kasten, J. (2021). *A phenomenological study exploring the lived experiences of couples attending experiential, attachment-based premarital workshops.* Liberty University.

Kasten, J. (2022). A *Phenomenological Study Exploring the Lived Experiences of Couples Attending Experiential, Attachment-Based Premarital Workshops*. Liberty University.

Kendrick, H. M., & Drentea, P. (2016). Marital adjustment. *Encyclopedia of family studies*,19(2), 1-2. https://doi.org/10.1002/9781119085621.wbefs071

Kreitler, S. (2018). Personality traits as patterns of meaning assignment tendencies. *Journal of personality*, *86*(1), 55-68. https://doi.org/10.1111/jopy.12315

Marks, J. P. (2007). *Christian premarital training in the local church setting: A study of the effectiveness of the SYMBIS model in reducing divorce and producing stable and satisfying marital relationships*. Liberty University.

McGhee, J., Burr, B., Vanrosendale, A., & Figueroa, D. (2021). What Do Those Cohabiting Believe about Relationship Social Support and Premarital Counseling? A Comparative Analysis. *Social Sciences*, *10*(5), 183. https://doi.org/10.3390/socsci10050183

Parrott III, L., & Parrott, L. (2003). The SYMBIS approach to marriage education. *Journal of Psychology and Theology*, *31*(3), 208-212. https://doi.org/10.1177/009164710303100305

Parrott, L., & Parrott, L. L. (2016). *Saving your marriage before it starts: Seven questions to ask before--and after--you marry*. Zondervan.

Quinn, G. P., & Keough, M. J. (2002). *Experimental design and data analysis for biologists*. Cambridge university press.

Sagesse, W. (2018). *Relationships between premarital counseling, religiosity, and marital satisfaction* (Doctoral dissertation, Grand Canyon University).

Soleimani, M., Najarpourian, S., & Samavi, A. (2022). Evaluation of the Effectiveness of Premarital Program Training for Building a Lasting Connection (BLC) based on EFT Approach on the Level of Marital Satisfaction of Married Couples. *International Journal of Health Studies*, *8*(3), 13-17. https://doi.org/10.22100/ijhs.v8i3.903

Zargar, F. (2014). Impact of psychological problems and marital adjustment of Iranian veterans on their children's quality of life and happiness. *Archives of trauma research*, *3*(3). E15843. 10.5812/atr.15840

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-22]